

دستورهای جنگی اسلام



دستورهای جنگی اسلام در پیروزی‌های مسلمانان مهم بسزای داشته ؛ و خودبخش مهمی از «فقہ» محسوب میشود ، گرچه در زمانی است این دستورات مورد استفاده نبوده و نظر باینکه مورد ابتلای مردم نیست در رسائل عملیه از آن بحث نمیشود ؛ و بهمین جهت تقریباً مسلمانان از کیفیت و خصوصیات آن اطلاعی ندارند ، ولی در هر صورت این مقررات قسمتی از احکام قطعی اسلام بوده و منسوخ نشده است و توجه بآن امر دراز این جهت اهمیت دارد که عده‌ای از نویسندگان و مبلغین مذاهب دیگر از عدم اطلاع مسلمانان سوء استفاده نموده و این مسئله را از زوایای جلوه داده و از هر سو بآن حمله کرده اند اینک ما از موقعیت استفاده نموده و قبل از ورود در بحث اصلی «فوتوحات مسلمان» قسمتهای مهمی از این مسئله را متذکر میشویم تا همه کس بدانند مسلمانان با چه برنامه منظمی جنگ میکردند ، ضمناً بک مقایسه قهری بین رفتار آنان و طرز عمل ملل متعذر امروز ، که هر کسی کم‌دیش از آن اطلاع دارد بعمل خواهد آمد :

علاوه ؛ این بحث بکسانیکه سعی دارند اسلام را مانند سایر ادیان ، مجموعه‌ای از عبادات و دستورهای اخلاقی . و فاقد هر گونه احکام سیاسی و حقوقی معرفی کنند

جواب دندان شکنی میدهد.

احترام بخون بشر

اسلام برای خون بشر احترام زیادی قائل است، و از خون ربزی و آدمکشی شدیداً بیزار و متنفر میباشد، گمان میکنم جمله‌ای که در کتاب آسمانی ما برای بیان این منظور بکار برده شده کم‌نظیر و شاید تعبیری رسانتر از آن یافت نشود؛ قرآن میگوید:

«من قتل انساناً بغير نفس او فساد فی الارض فکانما قتل الناس جميعاً و من احياها فکانما احيا الناس جميعاً» (مائده - ۳۱) هر کس فردی را بدون حق قصاص یا بی آنکه فتنه و فساد روی زمین برپا کرده باشد بکشد مثل اینست که همه مردم را کشته است، و هر کس فردی را حیات بخشد (از مرگ نجات دهد) مثل آنست که همه مردم حیات بخشیده است.

لحن قرآن همه جا در باره مجرمین بسیار شدید و تهدید آمیز است، داستان فرزند آدم که برادر خود را بناحق کشت میدانیم چگونه در قرآن یاد شده است. قانون قصاص در اسلام که بظاهر اطلاق نفس میباشد بمنظور منع کشتار و با احترام حیات بشر تشریح شده است، در این باره قرآن میگوید: «ولکم فی القصاص حیوة یا اولی الابواب» (بقره - ۱۷۸) ای خردمندان! قصاص و خونخواهی برای شما مایه حیات است.

شاید نشنیده باشید که اسلام قصد کشتن بیگناه را بمنزله کشتن وی می‌شمارد بی‌غیر فرمود: هر گاه دو مرد مسلمان بناحق بر روی یکدیگر شمشیر بکشند، و یکی از آنها دیگری را از پای در آورد قاتل و مقتول هر دو در آتش اند؛ گفتند: قاتل بجای خود مقتول چرا؟ فرمود او نیز اراده داشت قاتل را بکشد و همچنین اسلام «ترور» را بطور کلی تحریم کرده است.

باتوجه باین نکات و آنچه در مقاله گذشته گفته شد مسئله «جهاد» در اسلام نمیتواند دنباله خوی جنگجویی اعراب پیش از اسلام باشد، بلکه بعکس اسلام سعی کرده با وضع قوانین عادلانه و تدبیرهای گوناگون از آن مانع شود، و تمام مقررات جنگی اسلام

روی همین پایه نهاده شده است، شاید ما نتوانیم برای جنگ مقرراتی پیدا کنیم که تا این حد در این باره پافشاری کرده و موفق شده باشد، تا آنجا که ما میدانیم اصولاً بشر برای جنگ مقرراتی قائل نبوده و گویا اسلام نخستین قانونی است که مقرراتی در این باره وضع و تشریح کرده است.

مصونیت نائوانها

اسلام می گوید: هر کس قدرت جنگ ندارد مانند کودک، زن، پیران، زمین گیران، بیگاران، دیوانگان، و حتی رهبانان دیر نشین خونشان در جنگ محترم است مسلمانان حق ندارند باین خیال که با کشتن آنان لشکر دشمن را کم کرده و نسل آنها را قطع نمایند بخون آنان دست خود را بیالایند، این قسمت در تمام سفارشهای رسول اکرم بششکریان خود یاد آوری شده است.

تنها با کسانی می توان جنگید که شمشیر بدست گرفته و در مقابل مسلمین صف آرایی نمایند با از ناحیهی آنان خطری متوجه اسلام شود بطوریکه اگر مسلمین ابتکار عمل را در دست نگیرند، در مقابل عمل انجام شده قرار خواهند گرفت، و چنانچه طی بحثهای آینده خواهیم دید بیشتر جنگهای مسلمین از اینجا سرچشمه گرفته است. اسلام همانطور که از جنگ کردن بنائوانها مانع شده این گروه را از رفتن بجنگ نیز معاف داشته است؛ زیرا حضور آنان جز اینکه بیجهت جانشان را تباه سازد نتیجه دیگری ندارد، بنابراین، این دسته بطور کلی مصونیت دارند.

پناه دادن دشمن

اگر درگیر و در جنگ دشمن امان خواست مسلمانان موظفند وی را امان دهند، تا خواسته خود را در محیط آرام با آنان در میان نهد، و حتی اگر در قسمتی از دین تردید دارد و مایل است در آن باره با مسلمین مناظره کند یا پیشوای اسلام را از نزدیک دیده و شاهد حقیقت و راستی را در سیمای منطبق وی ببیند، راه برای او باز است. در اینجا چند نکته در اسلام رعایت نموده که بسیار جالب توجه است.

- ۱- امان دهنده لازم نیست پیشوای مسلمین یا فرمانده لشکر باشد شخصیت برجسته دیگری باشد بلکه يك فرد عادی حتی بردگان میتوانند امان دهند، علی رضی الله عنه امان يك بنده را درباره ساکنین يك حصار محکم امضاء کرد.
- ۲- امان دهنده و پناهنده هر که باشند تمام افراد سپاه الزاماً باید آنرا محترم شمارند
- ۳- پناهدادن در نظر اسلام مانند پیمانست که وفاء بآن لازم و کشتن پناهنده بزرگترین جرم و خیانت محسوب میشود علی رضی الله عنه می فرمود: هر کس مردی را امان دهد و بوی خیانت درزدن از چنین آدمی بر آید می جویم هر چند مقتول مستحق عذاب باشد.
- ۴- امان از زنهای نیز پذیرفته است زیرا پیغمبر صلی الله علیه و آله در روز فتح مکه امان «ام هانی» دختر ابی طالب را درباره مردی پذیرفت، و بناگفته برخی از فقهاء از طفل نابالغ نیز امان پذیرفته است.
- ۵- اگر دشمن امان خواست، و مسلمین بوی امان ندادند، ولی دشمن بگمان اینکه امان داده شده، اسلحه بزمین گذارد و سنگرهایش را از دست داده خود را در اختیار مسلمین قرار داد، چنین کسی نیز مصونیت دارد.
- ۶- پناهنده را باید سالم پناهگاه خود برسانند،
- کنترل احساسات
- گاهی در کشمکش جنگ، عمل نابهجائی از دشمن سر می زند که حسن انتقام جوئی طرف را تحریک می نماید، در این موقعیت حساس مسلمان باید بر احساسات خود فائق آید و هدف اصلی که دفاع از حق و نشر فضیلت است از یاد نبرد.
- علی رضی الله عنه باشکریبان خود توصیه مینمود که: از دشمنان ابلهانه زنان به بیجان نیابند
- گو اینکه بناموس و امر او نیکنان آنان بد گوئی کنند.
- این داستا نراهمه شنیده ایم که علی رضی الله عنه در یکی از جنگها بر سلحشور و مشهوری فائق آمده، او را نقش زمین کرد و روی سینه اش نشست، در اینموقع آنمرد آب دهن

بصورت آن حضرت انداخت ، بلافاصله علی رضی الله عنہ وی را ترک گفته در میدان جنگ برآه افتاد ، هنگامیکه سبب آنرا پرسیدند فرمود : عمل وی مرا بغضب آورد و اگر در آن حال سرازیتش جدا میکردم تحت تأثیر احساسات شخصی واقع میشدم ، من نخواستم از وی انتقام بکشم و نیت پاک خود را آلوده کنم .

تحریم جنگ در چهار ماه

چنانکه میدانیم اعراب پیش از اسلام همواره در جنگ دستیزه بودند بطوریکه این عمل برای آنان بکنوع عادت و طبیعت ثانوی محسوب میشد ، پیدااست این وضع آسایش و زندگی را از آنان سلب میکرد ، بناچار بمنظور رفع خستگی و تجدیدنیر و رسیدگی بمعیشت خود در هر سال چهار ماه (رجب و ذیقعد و ذیحجه و محرم) از جنگ دستهای کشیدند و نظر باینکه جنگ در این مدت ممنوع بود بنام « شهر حرم » ماههای حرام نامیده میشد .

اسلام که از هر موقعیتی برای صلاح استفاده میکرد این قانون را محترم شمرد زیرا این خود قدم برجسته‌ای در راه حفظ نفوس و منع کشتار بشمار میرفت و بدشمن فرصت میداد که در باره « اسلام » مطالعه کند و چه بسا نتیجه این مطالعه قبول دین یا انعقاد پیمان صلح بین طرفین و بالاخره عتار که جنگ برای همیشه که هدف اسلام است میبود علاوه بر این مسلمانان از عتار که جنگ استفاده کرده در سه ماه اخیر بسوی خانه خدا روی آورده حج میآوردند و ضمن این عبادت بزرگ ، خداپرستی و حسن نیت ایشان زمینه بیشتری برای نزدیکی و خوشبینی دشمن فراهم مینماید کما اینکه مواظبت بر نماز با صورت جالب « نماز خوف » در کرب و دار جنگ نیز این اثر را در روح دشمن بجامیگذارد .

طرفین نزاع در ماه « رجب » تا حدی لذت آشتی را می‌چشند ولی بزودی آتش جنگ این لذت را بالعمیل میسازد ، در سه ماه بعد این لذت ادامه بیشتری دارد این انتقال از حال لذت بالعمیل و بالعکس ، قهر را نتایج شوم جنگ را پیش چشم دشمن مجسم

در روح صلح جوئی داد روی تقویت نموده رفت و آمد طرفین نیز بحسن تفاهم کمک کرده
 و بالاخره صلح وقت بصلح دائم تبدیل میشود .

تصویب صلح با شرائط سنگین

اسلام بایمان دوستی موقت هر چند متضمن شرائط سنگینی باشد موافق است
 شاهد گویای این امر ایمان معروف «جدبیه» است که در سال (۶) هجرت هنگامیکه رسول
 اکرم بعزم (عمره) بطرف مکه میرفت در بین راه مابین آنحضرت و مشرکین بسته شد با
 اینکه وی مجهز و روحیه همراهانش کاملاً برای جنگ مساعد بود ، اما یک پیشنهاد از
 دشمن وی را از جنگ باز داشت ، و آن اینکه اهل مکه ضمن شرائطی در خواست
 کردند آن سال بیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از دخول مکه صرف نظر کرده در عوض سال بعد مکه
 بیاید رسول اکرم با این پیشنهاد موافقت فرمود ، و بدستور آنحضرت عهد نامه ای که وی را
 بوصف « رسول الله » توصیف کرده بود نوشته شد ؛ ولی دشمن گفت : ما اگر نبوت تو را
 پذیرفته بودیم دیگر با تو دشمنی نداشتیم ، با هر حضرت این قسمت از نامه تغییر
 داده شد .

یکی از مواد پیمان این بود : هر کس از اهل مکه بمدینه فرار کند
 مسلمین باید وی را بمکه برگردانند ، ولی اگر مسلمانی بمکه فرار نماید مکینان
 الزامی برد او ندارند .

رتال جامع علوم انسانی

پس از اعضاء این پیمان مسلمین در همان مکان قربانی خود را ذبح نموده و از راهی
 که آمده بودند برگشتند ، این پیش آمد بر عده ای از مسلمین گران آمد ، و خون در
 رگشان میجوشید ، مخصوصاً باك کردن عنوان « نبوت » بیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از متن پیمان
 بیش از هر چیز یکام مسلمین تلخ و ناگوار آمد ، ولی هیچ يك از این امور کفه جنگ را در
 نظر رسول اکرم ترجیح نداد ؛ و همراهان خود را باین جمله قانع فرمود : بخدا
 قسم « قریش » را ب هیچ امری که پیوند دوستی و صلوة رحم را میان ما محکم سازد نخواهند
 مگر اینکه با آن امر موافقت کنم .

فرمان پیشوا

این نیز یکی از نکات برجسته است که اسلام فرمان جنگ را بدست پیشوای مسلمین سپرده و باین وسیله جلو خود سری و آشوب را گرفته و مخصوصاً این قسمت در مذهب ما بنحو محدودتری ذکر شده است.

علی علیه السلام میفرمود: مرد مسلمان بفرمان کسیکه در اجراء احکام الهی و مراعات حق و عدالت مورد اطمینان نیست بجنگ نبرد و اگر در چنین جنگی شرکت نمود و کشته شد در حالی مرده است که دشمن خدا را یاری کرده است.

مردی بامام صادق علیه السلام گفت: من در مرز اسلام زندگی میکنم از طرف خلیفه مرا بجنگ دعوت می کنند، آیا این دعوت را اجابت کنم؟ فرمود اگر در جنگ بدشمن امان دهی، و بهمان طریق که رسول اکرم صلی الله علیه و آله پیمان می بست بادشمن پیمان ببندی آیا امراء لشکر پیمان تو را محترم میدانند و بر طبق آن رفتار مینمایند؟ گفت: خیر فرمود: پس در چنین جنگی شرکت مکن. و نیز امام صادق علیه السلام میفرمود: کسی اجازه دارد برای جنگ سپاه گرد آورد که صلاحیت امر بمعروف و نهی از منکر داشته، و معمرات خدا را ترک و واجبات را بجا آورد.

مقررات دیگر

علی علیه السلام فرمان میداد: لشکر اسلام بعد از ظهر شروع بجنگ کنند زیرا با رسیدن شب بدشمن فرصت داده میشود از تاریکی استفاده نموده متفرق شوند و بالتسبیح کشتار کمتر شود.

نمایندگان و فرستاده دشمن خونشان محترم است، آب و خوراک را نباید بردی دشمن به بندند، ریختن سم در آب آشامیدنی دشمن ممنوع است. از خرابکاری، سوختن، قطع درختها، تصبیح مزارع و استعمال منجنیق و کلیه این قبیل اعمال حتی الامکان باید خودداری نمود، «مثله» یعنی بریدن اعضاء مقتول جایز

نیست؛ تمام عهد و پیمانها محترم است از هر گونه پیشنهاد مسالمت آمیز استقبال میشود
 اهل ذمه یعنی کفار یکدیگر در پناه حکومت اسلام بسر میبرند، با رعایت شرائط مقررده از
 همه حقوق برخوردارند، با اسیران برفق و مدارا و نیکی باید سلوک نمایند و میان مادر
 و فرزند جدائی نیفتند، بزرگ زادگان و محترمین از هر قوم و ملتی محترم و بزرگ
 شمرده میشوند.



اینها که گفته شد بیشتر بمنظور رعایت دشمن مقرر شده است، درباره حقوق خود
 مسالمت نسبت بیکدیگر نیز مقرراتی در نظر گرفته شده که همه نمودار روح عدالت
 و صفا و حاکی از موشکافی و باریکی بینی شارع اسلام و علاقه وی به برادری و برابری و
 صمیمیت مسالمت میباشد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی